



A Reflection on the Reconfiguration of Social and Economic Relations in the Village; A Sociological Study of the Ban on Land Sales in Sular Village

Morteza Tavakoli Ziyaratgahi¹ | Sedigheh Piri²

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabatabaee, Tehran, Iran. E-mail: mo_tavakoli@atu.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabatabaee, Tehran, Iran. E-mail: sedighe.piri@atu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 1 August 2025 Received in revised form: 19 September 2025 Accepted: 18 November 2025 Published online: 29 December 2025 Keywords: Ban, Economic, Land, Social Relations, Sular.	In the village of Sular, there is an unwritten norm that prohibits the sale of land to non-natives. This rule is rooted in a network of ethical and social beliefs, to the extent that many residents regard land transactions as a form of “betrayal of the collective heritage.” The rule mentioned above is not restricted to land ownership by non-indigenous individuals; it also encompasses government ownership in development initiatives. What mechanisms have resulted in the perpetuation of this rule? This is the most critical inquiry. This investigation implements an exploratory, phenomenological case study approach. The underlying social contexts and concealed functions of the rule were elucidated through semi-structured interviews with 13 local actors, as well as field observation and informal conversations. The final analysis reveals that the prohibition of land sale is not a remnant of a static tradition, but the result of a new configuration of ethical relationships, power dynamics, economic pressures, and collective memory. In this regard, it may be considered a contemporary ethical institution that has emerged as a result of local resistance to market forces. Contrary to initial assumptions, this rule not only fosters solidarity but also, in certain instances, functions as an instrument of domination. The rule that forbids the sale of land to non-natives reflects the entanglement of collective conscience (Durkheim) and the embeddedness of the economy within the local community (Polanyi), yet it also serves as a tool of symbolic domination (Bourdieu). This regulation serves as both a safeguard of the village’s collective identity and a point of conflict between livelihood, ethics, and power.

Cite this article: Tavakoli Ziyaratgahi, M. & Piri, S. (2025). A Reflection on the Reconfiguration of Social and Economic Relations in the Village; A Sociological Study of the Ban on Land Sales in Sular Village. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (2), 363-383. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.399617.668937>



©Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.399617.668937>

تأملی بر بازآرایی مناسبات اجتماعی و اقتصادی در روستا مطالعه جامعه‌شناختی منع فروش زمین در روستای سولار

مرتضی توکلی زبارتگاهی^۱ | صدیقه پیری^۲

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: mo_tavakoli@atu.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: sedighe.piri@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸	در روستای سولار، قاعده‌ای نانوشته وجود دارد که روستاییان را از فروش زمین به افراد غیربومی باز می‌دارد. این قاعده ریشه در شبکه‌ای از باورهای اخلاقی و اجتماعی دارد؛ تا آنجا که بسیاری از ساکنان، فروش زمین را نوعی «خیانت به میراث جمعی» قلمداد می‌کنند. قاعده مذکور محدود به مالکیت زمین توسط فرد غیربومی نیست و مالکیت دولت در طرح‌های توسعه را نیز منتفی می‌سازد. اینکه چه سازوکارهایی موجب تداوم این قاعده شده و چه نسبتی با بازار، قدرت و هویت در میدان روستا دارد، مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌آیند. پژوهش حاضر کیفی است و به روش مطالعه موردی اکتشافی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۳ نفر از فعالان محلی گردآوری شدند. همچنین از مشاهده میدانی و ثبت گفت‌وگوهای غیررسمی برای درک بهتر زمینه‌های اجتماعی و عملکردهای پنهان این قاعده بهره گرفته شد. تحلیل نهایی نشان می‌دهد قاعده منع فروش زمین، نه بازمانده‌ای از سنت ایستاد، بلکه نتیجه بازآرایی جدیدی از روابط اخلاقی، مناسبات قدرت، فشارهای اقتصادی و خاطره جمعی است. در این معنا، می‌توان آن را یک نهاد اخلاقی مدرن دانست که در برابر نیروهای بازار پدید آمده است. این قاعده برخلاف تصور اولیه، نه تنها همبستگی می‌آفریند، بلکه در مواردی به ابزار سلطه نیز بدل می‌شود. قاعده منع فروش زمین به غیربومیان درهم‌تنیدگی وجدان جمعی (دورکیم) و حک‌شدگی اقتصاد در بطن اجتماع محلی (پولانی) را در عین تبدیل‌شدن آن به ابزاری برای سلطه نمادین (بورديو) بازتاب می‌دهد. این قاعده هم‌زمان حافظ هویت جمعی روستا و عرصه بروز تنش میان معیشت، اخلاق و قدرت است.
کلیدواژه‌ها: اقتصاد، زمین، سولار، ممنوعیت، مناسبات اجتماعی.	

استناد: توکلی زبارتگاهی، مرتضی و پیری، صدیقه (۱۴۰۴). تأملی بر بازآرایی مناسبات اجتماعی و اقتصادی در روستا مطالعه جامعه‌شناختی منع فروش زمین در روستای سولار. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۷ (۲)، ۳۶۳-۳۸۳. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.399617.668937>



© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.399617.668937>

۱. مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر، فرایند بازارمحور توسعه روستایی در ایران، تغییرات چشمگیری در مناسبات مالکیت، الگوهای همبستگی و تعاملات اقتصادی در جوامع محلی ایجاد کرده است. یکی از پیامدهای مهم این روند، افزایش تقاضا برای خرید زمین در مناطق روستایی است؛ امری که در بسیاری از روستاها به واگذاری زمین و تغییر ترکیب اجتماعی انجامیده است. در این میان، برخی جوامع روستایی با بهره‌گیری از هنجارها و قواعد نانوشته، سعی در کنترل و تنظیم این فرایند دارند. این پژوهش بر یکی از نمونه‌های برجسته همبستگی محلی متمرکز است؛ قاعده نانوشته‌ای در روستای سولار^۱ که براساس آن فروش زمین به افراد غیربومی ممنوع تلقی می‌شود. در جوامع روستایی، زمین نه یک دارایی اقتصادی، که حامل معنای پیچیده، نمادین و اخلاقی است که با هویت و خاطره جمعی^۲ روستاییان پیوند خورده است. در روستای سولار، نوعی قاعده نانوشته و قدرتمند حاکم است که ساکنان را از فروش زمین‌هایشان به افراد غیربومی باز می‌دارد. با این حال، واقعیت اجتماعی^۳ در هیچ کجا یکدست نیست. با وقوع تحولات ساختاری در کشاورزی معیشتی و تبدیل آن به کشاورزی تجاری، اجرای برنامه اصلاحات ارضی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در توسعه و عمران روستاها که نمودهای آن را می‌توان در تورم افسارگسیخته، کاهش قدرت خرید و تضعیف شبکه‌های همبستگی محلی مشاهده کرد، این قاعده نیز دستخوش تحولاتی شده تا بتواند ضمن پابندی به مبانی الزام‌آور عرفی، اقتصاد محلی روستا را که خالی از متقاضی بیرونی و دچار رکود است سامان بخشد؛ وضعیت‌هایی اقتصادی-اخلاقی که هم‌زمان تلاش برای بازسازی عرف براساس اقتضات امروزی را شکل می‌دهند و صورت‌هایی نو می‌آفرینند.

فرهادی همیاری^۴ را این‌گونه تعریف می‌کند: «همیاری جریانی است دوسویه و افقی که اغلب بین کسانی که کم‌وبیش توانایی‌های مشابه و یکسان دارند، یا کسانی که می‌توانند توانایی‌های همدیگر را تکمیل یا کمبودهای همدیگر را جبران کنند به‌وجود می‌آید» (فرهادی، ۱۳۹۴: ۵۳). منحصربه‌فردترین شیوه همیاری در بین روستاییان سولار، قاعده نانوشته منع فروش زمین به افراد غیربومی است که سابقه‌ای طولانی در روستا دارد. از زمان اجرای برنامه دوم اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ که به‌موجب آن دهقانان روستایی صاحب زمین شدند تا امروز، زمین در اختیار مالکان سولار باقی مانده و تنها در بین «گروه خودی» معامله شده است. این شکل از اجماع با بازنمایی‌های جمعی^۵ و خاطره جمعی روستاییان پیوند خورده و زمین را برخوردار از معانی‌ای ساخته که هم‌اکنون دارد. خاطره جمعی به مجموع «وقایع و رویدادهایی» اطلاق می‌شود که توسط افرادی که در یک «چارچوب اجتماعی» تعامل دارند «تجربه» می‌شود (جیسون، ۲۰۰۸: ۷۴-۷۵). از آنجا که خاطرات جمعی نقشی تعیین‌کننده در آگاهی گروهی افراد جامعه دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که با هویت‌مندی افراد پیوند می‌خورد (هالباکس، ۱۹۹۲: ۴۷).

روستای سولار از زمان اجرای برنامه اصلاحات ارضی تاکنون با تکیه بر قواعد محلی، نظم خودمختار را دنبال کرده است. تأکید بر امر دینی و تنظیم اجتماعی توسط قواعد اخلاقی منتج از آن از یک سو و وجود نقش‌ها، انتظارات و تکالیف جمعی حول پدیده زمین از سوی دیگر، نظم اجتماعی را شکل داده که در عمل، ارزش اقتصادی زمین را ذیل کلیتی به نام امر اجتماعی نشانده است. این

۱. روستای سولار، از توابع دهستان منظره، بخش شهرستان شهرضا واقع در استان اصفهان است و در ۱۶ کیلومتری شهرستان شهرضا قرار دارد. جمعیت روستا طبق آخرین سرشماری (۱۳۹۵) ۴۰۹ نفر و ۱۲۱ خانوار بوده است. سولار از نظر اقلیم، نیمه‌خشک است و منبع عمده آب کشاورزی آن توسط رشته قنات در روستا تأمین می‌شود (طرح هادی بازنگری روستای سولار، ۱۳۹۱).

2. Collective memory

3. Social fact

4. Co-operation

5. Collective representation

خودمختاری البته پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم متعددی را متوجه مالکیت، زمین‌داری، نسل جوان و توسعه روستا کرده است. با وجود این، قاعده منع فروش زمین همچنان به قوت خود باقی است و تابه‌حال (جز دو نفر) کسی مالکیت زمین خود را به غیربومیان واگذار نکرده است. این تساهل گویای شکاف در قاعده‌ای است که در نگاه نخست، مطلق و مقدس جلوه می‌کرد. با این حال قاعده چندوجهی مذکور قابل فروکاستن به یک مفهوم کلی نیست. اینکه چه سازوکارهایی سبب تداوم و بازتولید قاعده منع فروش زمین می‌شود و پابندی به آن را (در نسبت با هویت، بازار و میدان قدرت در روستا) موجه می‌سازد، از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌آید. درنهایت، مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان به درکی چندسطحی و متوازن از پدیده‌ای دست یافت که در عین حال هم قاعده و هم استثنا، هم ارزش و هم مصلحت، هم اخلاقی و هم اقتصادی است.

۲. پیشینه پژوهش

عبری (۱۳۹۵) در مقاله «بختک توسعه و خواب ناآرام آبادی ما» چگونگی بر ساخت توسعه روستایی از طریق «غیرعقلانی» خواندن کنش‌های روستاییان و توجیه عقلانیت از بالا را بررسی و الگوی «توسعه مجانی» و مفهوم جادویی «تغییر» و تکنیک «مداخله» برای دگرگون ساختن زندگی روستاییان را نقد می‌کند. عبری و احمدی (۱۳۹۵) در مقاله «مشارکت به مثابه حفظ حیثیت در مقابل دیگری» نشان می‌دهند مشارکت جمعی، علاوه بر حفظ و بقای زیستی و هویتی، اقدامی در جهت اثبات خوداتکایی و حفظ آبرو و حیثیت در مقابل روستاهای همجوار از یک طرف، و نوعی اعتراض در مقابل عدم انجام به موقع یک اقدام فوری توسط مسئولان ادارات از طرف دیگر بوده است. عبری و پیری (۱۳۹۵) در مقاله «توسعه به مثابه بی‌نوایی اخلاقی: سیری در اندیشه مجید رهنما» نشان می‌دهند نفوذ گفتمان توسعه در جوامع محلی، مردمان آن را دچار اقتصادزدگی و بی‌نوایی اخلاقی می‌کند. به این ترتیب که اخلاق را در جوامع بومی به تباهی می‌کشاند. رهنما در مقابل، بر رهیافت‌های مشارکت، اتکای شخصی و ساده‌زیستی تأکید دارد. عزیزی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه «تحلیل ادراک جامعه محلی از روستای خوب: مطالعه روستای ورس» نشان می‌دهند در گفتمان جامعه محلی مطالعه شده، دسترسی به آب کشاورزی در همه فصول، مشارکت در طرح‌های توسعه، رضایت از درآمد، بومی‌گرایی، جمع‌گرایی و... از خصایص یک روستای خوب به‌شمار می‌آیند. ایار و عبری (۱۴۰۲) در مطالعه «از گردو تا اکالیپتوس: روایتی مردم‌نگارانه از فرسایش اجتماعات محلی در ایران» دریافتند که برنامه‌های توسعه، زیست‌جهان پیشامدخاله‌ای را که در سیطره امر اجتماعی بوده، تحت هجمه امر اقتصادی قرار داده است.

ویلیامز^۱ (۱۹۷۵) در مطالعه کلاسیک «شهرها و روستاها» نشان می‌دهد مفاهیم روستا و شهر از قرون وسطی تا امروز چگونه توسط ادیبان (شاعران و رمان‌نویسان) بر ساخت شده‌اند و مانند اسطوره به‌خاطر آورده می‌شوند. ویلیامز در مقابل بر این باور است که هرگز شکاف شدیدی بین روستا و شهر وجود نداشته و ایده سرمایه‌داری را به‌عنوان نیرویی که شیوه زندگی روستایی ایدئال را نابود کرده است، شالوده‌شکنی می‌کند. اسکات^۲ (۱۹۷۷) در اثر کلاسیک خود، «اقتصاد اخلاقی دهقانان» و نیز «سلاح فقر: اشکال مقاومت روزمره دهقانان» (۱۹۸۵)، با مرکزیت‌بخشیدن به سیاست‌های دهقانی و روابط طبقاتی محلی، بر این موضع تأکید دارد که شورش‌های دهقانان علیه بزرگ‌مالکان و سایر فرادستان، اگرچه نتوانست گرهی از مسائل آن‌ها بگشاید، اما توانست حیات آن‌ها را زیست‌پذیر کند. مالینا^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش «چه چیزی صاحبان زمین را برای مقاومت در برابر فروش زمین خود سوق می‌دهد»، پیوستن

1. R. Williams
2. J. Scott
3. Malina

به یک انجمن برای دفاع از حقوق کشاورزان، اهمیت قیمت زمین ارائه شده توسط خریدار بالقوه خارجی و تأثیر ادراک تبدیل زمین‌های کشاورزی به اراضی را قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بین شناسایی می‌کند. اسمیت^۱ (۲۰۲۳) در کتاب مشهور معیشت و مقاومت: دهقانان و سیاست زمین در پرو توضیح می‌دهد که دهقانان برای حفظ و بازپس‌گیری زمین‌هایی که بزرگ‌مالکان تصرف کرده بودند، سال‌ها با روش‌هایی مثل اشغال زمین، مقاومت حقوقی، نافرمانی مدنی، مهاجرت فصلی و بازتولید نهادهای اجتماعی بومی مبارزه کردند. اسمیت با رد تصویر کلیشه‌ای از دهقانان به‌عنوان قربانیان صرف تأکید می‌کند که این مردم «عاملان تاریخی‌اند» که با خلاقیت، فرهنگ و آگاهی طبقاتی در برابر ساختارهای سلطه‌ای مثل دولت، بازار و زمین‌داری ایستادگی کرده‌اند. لی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه «هویت محلی براساس دیدگاه روستاییان از زندگی و پویایی روستا» نتیجه می‌گیرند که ساخت‌وساز روستایی در استان یوننان (چین) نمی‌تواند با نیازهای متغیر روستاییان سازگار باشد و توسعه شهرک‌های روستایی با روند انقباض جمعیت روستایی همراه است.

با توجه به پیشینه مرور شده، آنچه در پژوهش‌های روستایی غایب است، نشان‌دادن نسبت امر اخلاقی، امر اجتماعی و امر اقتصادی است. در این مطالعه، قصد بر آن است که نظم اجتماعی محلی (و نه مقاومت سیاسی) که جلوه‌ای از امر اجتماعی را نمایندگی می‌کند، برجسته شود. به‌علاوه، غالب پژوهش‌های انجام‌گرفته معمولاً بر پارادایم پساتوسعه/پسااستعماری تأکید دارند و با توسل به‌نوعی الگوی مقاومت، درصدد توضیح برآمده‌اند (رهنما، ۱۹۹۷؛ اسکوبار، ۱۹۹۲). چنین رویکردی با تقلیل تاریخ به روایت و متن از یک سو و رمانتیزه‌کردن مسائل جهان سوم و تبدیل آن به گذشته طلایی از سوی دیگر، از وفاداری به عینیت^۲ بازمی‌ماند. خلاف‌آمد پژوهش حاضر آن است که منع فروش زمین را بیرون از این چارچوب مسلط به دآوری بنشینند. پژوهش حاضر از آن رو اهمیت دارد که به‌جای تمرکز صرف بر پیامدهای اقتصادی یا حقوقی فروش زمین، به نقش هنجارهای عرفی، سازوکارهای غیررسمی و شبکه‌های همیاری در حفظ قاعده نانوشته منع فروش زمین به غیربومیان می‌پردازد.

۳. تأملات مفهومی و نظری

۳-۱. امر اجتماعی و نموده‌های جمعی: امیل دورکیم^۳ (۱۸۵۸-۱۹۱۷) امر اجتماعی را به‌مثابه واقعیتی بیرونی، الزام‌آور و کل‌نگر می‌بیند که به فرد تحمیل می‌شود. مطابق این نظر، «الزام دیگر تحمیل صرف نظارت‌های خارجی بر اراده فردی نخواهد بود، بلکه شکل یک اجبار اخلاقی برای اطاعت از قانون را به خود خواهد گرفت» (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۸۸). دورکیم میان امر اجتماعی و امر اخلاقی پیوندی تنگاتنگ برقرار می‌کند. امر اخلاقی بخشی از امر اجتماعی است که قواعد و ارزش‌هایی را شامل می‌شود که بر رفتار فرد و جامعه نظارت دارد و درواقع نوعی «وجدان جمعی»^۴ به‌شمار می‌آید (دورکیم، ۱۳۹۱). دورکیم در کتاب تقسیم‌کار اجتماعی به این موضوع بازمی‌گردد و پس از تمایز همبستگی مکانیکی^۵ (از راه همانندی) و همبستگی ارگانیکی^۶ (از راه تمایز و تخصصی‌شدن)، تقسیم‌کار را نمودی اجتماعی می‌خواند که تنها با نمود اجتماعی دیگر قابل‌تبیین است و آن هم چیزی نیست جز ترکیبی از حجم تراکم مادی و اخلاقی جامعه (آرون، ۱۳۷۷: ۳۶۱-۳۷۲). از همین رو، تقسیم‌کار اقتصادی، تقسیم‌کاری سطحی است و در مواردی که تقسیم‌کار اجباری باشد، نه‌تنها به همبستگی نمی‌انجامد، بلکه موجب آشفتگی^۷ و ناهنجاری^۱ می‌شود (دورکیم، ۱۳۹۴: ۲۶۶). تأکید بر

1. Smith

2. Objectivity

3. Emile Durkheim

4. Collective conscience

5. Mechanical solidarity

6. Organic solidarity

7. Anomie

تمایز امر اجتماعی و اولویت بخشیدن به آن، به معنای تفکیک و جداسازی‌اش از سیاست و اقتصاد نیست. امر اجتماعی امری ناب و سیاست زدوده نیست. رابطه تمامیت و پیچیدگی مفاهیمی هستند که این درهم‌تنیدگی را توضیح می‌دهند: «هیچ چیز جز در رابطه‌اش با همه چیز فهم نمی‌شود. امر اجتماعی همانا در تمامیت ۲ خود فهم می‌شود و واجد ابعاد نمادین، سیاسی، دینی، اقتصادی و اغلب حقوقی است. این مفهوم به ما امکان می‌دهد تا انسان را با تمام پیچیدگی‌اش در نظر بگیریم» (شریعتی، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۲).

۳-۲. تداوم امر اجتماعی در عین فراروی از مکتب دورکیمی: پی‌یر بوردیو^۳ (۱۹۳۰-۲۰۰۲) بسیار از سنت دورکیمی -

موسی^۴ متأثر بوده است. بوردیو به تأسی از موس بر حضور تاریخ در زندگی اجتماعی تأکید دارد: «آنچه امر اجتماعی می‌نامیم، به یک معنا همان تاریخ است. تاریخ اشیا در نهادها (ماشین‌ها، ابزارها، حقوق، نظریه‌های علمی و...) ثبت شده است، اما تاریخ را می‌توان در جای دیگری نیز یافت. در بدن‌ها... ناخودآگاه همان تاریخ است» (به نقل از شریعتی، ۱۴۰۰: ۲۲). تأکید بر امر اجتماعی، زمینه نقد دانش اقتصاد در نگاه بوردیو را می‌گشاید. از دید او، دانش اقتصاد «بر پایه اقدام به انتزاع بنا می‌شود. به این معنا که مقوله خاصی از کردوکارها یا جنبه خاصی از همه کردوکارها را از بستر نظم اجتماعی، که همه کردوکارهای انسانی در آن غوطه‌ورند، بیرون می‌کشد» (بوردیو، ۱۳۹۵: ۱۰). بوردیو بدین ترتیب با سطوح میان‌ساختی و منازعه‌آمیز روابط قدرت پیوند خورد. وی با ارجاع به امر اجتماعی تام توضیح داد که هر پدیده اجتماعی، پدیده‌ای در تامیت است و این تامیت باید در همه تحلیل‌های اجتماعی لحاظ شود. از این جهت حتی وفاق اخلاقی نیز در معرض چالش قرار دارد؛ چرا که نیروهای اجتماعی تضاد و سلطه نشان می‌دهند که به نسبت روابطی که بین اعضای جامعه برقرار است و در عالی‌ترین سطح به اخلاق جمعی می‌رسد، همواره امکان اشکالی از نیروهای اجتماعی معارض وجود دارد که چه‌بسا نادیده انگاشته شوند. از مهم‌ترین مفاهیمی که بوردیو بر آن تأکید می‌ورزد، میدان^۵ و سرمایه^۶ است. سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اجتماعی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار است و منظور از میدان مجموعه افرادی است که به نحو عینی در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار گرفته‌اند و دارای منابع گوناگونی (انواع مختلف سرمایه) هستند که برای کسب پرستیژ، ثروت و قدرت تلاش می‌کنند (سیدمن، ۱۳۹۵: ۲۰۱). از میان سرمایه‌ها، سرمایه نمادین^۷ به هرگونه دارایی (اعم از طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) اطلاق می‌شود که به وسیله آن دسته از اعضای اجتماع درک شود که مقوله‌های فاهمه^۸ آنان چنان است که آنان را قادر می‌سازد این دارایی را ببینند و به رسمیت بشناسند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

۳-۳. گذار از حک‌شدگی و اتکا به حرکت دوگانه: کارل پولانی^۹ (۱۸۸۶-۱۹۶۴) در مقاله کلاسیک «اقتصاد به مثابه

فرایند نهادینه‌شده»، تمایز مهمی میان دو نوع تعریف از اقتصاد (اقتصاد صوری^{۱۰} و اقتصاد نهادی^{۱۱}) قائل می‌شود و نشان می‌دهد کنش اقتصادی را نمی‌توان به صرف انتخاب‌های عقلانی در بستر بازار تقلیل داد. تعریف صوری، اقتصاد را عرصه‌ای برای تخصیص بهینه منابع کمیاب از طریق ابزارهای محاسبه‌گرانه در نظر می‌گیرد؛ درحالی‌که در تعریف نهادی، اقتصاد چیزی است که در دل روابط

1. Abnormality
2. Totality
3. Pierre Bourdieu
4. Marcel Mauss
5. Field
6. Capital
7. Symbol capital
8. Categories of perception
9. Karl Polanyi
10. Formal economics
11. Institutional economics

اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی حک شده و با سازمان یافتگی اجتماعی زندگی مادی پیوند خورده است. پولانی تأکید می‌کند که در بیشتر جوامع پیشامدرن و حتی در لایه‌هایی از جوامع مدرن، فرایندهای اقتصادی نه به صورت مستقل، بلکه به صورت «نهادینه‌شده» در ساختارهای خویشاوندی، قدرت محلی، عرف، دین و سایر اشکال سازمان اجتماعی عمل می‌کنند. به همین دلیل، نمی‌توان مناسبات مربوط به مالکیت، مبادله یا ارزش‌گذاری دارایی‌هایی مانند زمین را صرفاً براساس منطق عرضه و تقاضا توضیح داد (پولانی، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، اقتصاد نهادینه‌شده همان چیزی است که پولانی آن را حک‌شدگی^۱ می‌نامد که براساس آن «اقتصاد، برخلاف آنچه نظریه اقتصادی حکم می‌کند، نه مستقل، بلکه تابع سیاست و مذهب و مناسبات اجتماعی است» (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۰). به تدریج دو نهاد بازار و مؤسسه‌های تکامل‌یافته سرمایه‌دارانه از طریق تبدیل زمین و نیروی کار به کالا موجب تأسیس نظام بازار خودتنظیم‌گر سرمایه‌دارانه شدند که سرانجام آن جدایی اقتصاد از جامعه بود. پولانی تأکید می‌کند که مقاومت جوامع محلی در برابر کالایی‌شدن منابع طبیعی، به‌ویژه زمین، ناشی از تلاش برای حفظ کنترل اجتماعی و فرهنگی بر این منابع است و این مقاومت‌ها مانع از تسلط کامل بازار بر منابع می‌شود (همان).

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و رویکرد آن مطالعه موردی^۲ است. مطالعه موردی کیفی درواقع مطالعه‌ای عمیق از این سیستم بر پایه طیف متنوعی از مآخذ گردآوری داده است و پژوهشگر این سیستم یا مورد را درون زمینه یا محیط پیرامونی آن قرار می‌دهد (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۹۶). برای گردآوری اطلاعات از مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های عمیق و یادداشت‌های میدانی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با ترکیب اطلاعات، رفت‌وبرگشت‌های مکرر به میدان به‌منظور اشباع نظری و استخراج مضامین اصلی انجام پذیرفت. میدان پژوهش شامل دهقانان، باغبانان و مطلعان کلیدی روستاهای سولار و زیارتگاه^۳ بود که در زمینه امور کشاورزی، آبیاری، قیمت‌گذاری و خریدوفروش زمین دارای اطلاعات موثق باشند. این افراد در روستای سولار (اصل) و زیارتگاه (فرع) شناسایی شدند تا امکان مقایسه بین دو روستا و تفاوت‌های آن‌ها از نظر پایداری و عدم پایداری به قاعده منع فروش زمین و پیامدهای آن فراهم شود. برای این منظور، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۴ استفاده شد. در این روش، نمونه به صورت عمدی و غیرتصادفی برای دستیابی به هدفی خاص انتخاب می‌شود و هدف دستیابی به افرادی است که بیشترین میزان اطلاعات، آگاهی و تعامل را درباره مناسبات زمین و کشاورزی در روستا داشته باشند. در این رابطه با ۱۰ نفر از روستای سولار و ۳ نفر از روستای زیارتگاه مصاحبه شد که در ادامه مشخصات آن‌ها به دقت ذکر شده است. تعداد مصاحبه‌شوندگان در دو میدان تحقیق یکسان انتخاب نشد و این انتخاب بر مبنای منطق پژوهشی صورت گرفت. روستای سولار میدان اصلی مطالعه بود که قاعده نانوشته منع فروش زمین در بطن زندگی روزمره بازتولید می‌شد و گروه‌های مختلف اجتماعی درگیر آن بودند. در مقابل، زیارتگاه نقش مقایسه‌ای در پژوهش داشت. به همین دلیل، گستره مطلعان محدودتر بود و فقط چند نفر درگیر مستقیم این فرایند بودند. مصاحبه‌ها در سه مرحله انجام گرفت و درنهایت اشباع نظری حاصل شد. در این

1. Embeddedness

2. Case study

۳. زیارتگاه، روستایی در ۹ کیلومتری شهرستان شهرضا و اولین روستا از دهستان منظره محسوب می‌شود. روستای سولار، سومین روستا بعد از زیارتگاه است و در فاصله ۸ کیلومتری زیارتگاه قرار دارد. روستای زیارتگاه به نوعی سرآغاز فروش زمین به غیربومیان است و بر همین اساس با روستای سولار مقایسه شده است.

4. Purposive sampling

پژوهش از دو تکنیک مقایسه^۱ و مثلث‌گیری^۲ برای افزایش اعتبار پژوهش استفاده شد. مقایسه سبب می‌شود تا به سراغ تجارب دیگران برویم و نمونه‌های مشابه و متفاوت با پدیده مورد بررسی را بیابیم. مثلث‌گیری نیز «متنوع‌کردن تکنیک‌ها و رویکردها در گردآوری داده‌ها» (همکاری، مشاهده و مصاحبه) برای فهم عمیق‌تر از موضوع است (استراوس و کربین، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷).

جدول ۱. فهرست مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد ^۳	جنس	سن	تحصیلات	وضع قشریندی ^۴	وضعیت اشتغال
۱	آقا	۷۸	پنجم ابتدایی	دهقان خرده‌پا	مصدق و کشاورز
۲	آقا	۸۱	بی‌سواد	خوش‌نشین مرفه	بازنشسته
۳	خانم	۷۵	بی‌سواد	خوش‌نشین مرفه	خانه‌دار
۴	آقا	۷۳	پنجم ابتدایی	دهقان خرده‌پا	کشاورز، لوله‌کش، جوشکار
۵	آقا	۷۱	پنجم ابتدایی	دهقان مرفه	کشاورز
۶	آقا	۶۹	پنجم ابتدایی	دهقان مرفه	کشاورز و ناظر کشاورزی
۷	آقا	۶۶	دیپلم نظام قدیم	سوداگر	مالک مرغداری و ناظر کشاورزی
۸	آقا	۶۴	دیپلم نظام قدیم	دهقان مرفه	کشاورز
۹	آقا	۶۱	پنجم ابتدایی	دهقان مرفه	راننده تاکسی و ناظر کشاورزی
۱۰	خانم	۵۵	بی‌سواد	دهقان خرده‌پا	دامداری و خانه‌دار
۱۱	آقا	۵۲	دیپلم	خوش‌نشین متوسط	از بخش مدیریت روستای سولار
۱۲	خانم	۳۹	دیپلم	خوش‌نشین متوسط	از بخش مدیریت روستای زیارتگاه
۱۳	آقا	۳۲	دیپلم	دهقان خرده‌پا	کشاورز

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش که برآیند مصاحبه‌ها، مشاهدات و یادداشت‌های میدانی پژوهشگر است، در قالب سه خوشه فراگیر ارائه شده است. با هدف نشان‌دادن ارتباط بین مضامین اصلی و میدان پژوهش، در بخش‌های مربوطه قسمت‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان و یادداشت‌های میدانی پژوهشگر ذکر می‌شود.

جدول ۲. فضای مفهومی زمین در ارتباط با عرف محلی

مفاهیم اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	خوشه فراگیر
دزدی از باغ، خسارت به محصولات، خرابکاری	امنیت فیزیکی زمین	حرمت زمین به‌مثابه امر اخلاقی-هویتی	
حضور زنان در مزرعه و باغ، تأمین آزادی و امنیت زنان	محافظت از ناموس		
نفی ارزش مادی، حاضر به ضرر کردن در معامله با خودی	ارجحیت ارزش اجتماعی		
تردد کردن غیربومی، درخواست اطلاعات کردن از او	زیرنظر گرفتن غیربومی		
آبیاری کردن گروهی، حضور شبانه‌روزی در مزارع و باغ‌ها	جلوگیری از فروش مخفیانه	مالکیت تنبیده در	

1. Comparison
2. Triangulation

۳. به منظور حفظ حریم شخصی، اسامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ذکر نمی‌شود.

۴. به‌طور کلی می‌توان سه طبقه عمده را در روستا متمایز کرد: سوداگران (دارای ۲ هکتار زمین و مشغول به کار تجاری)، دهقانان مرفه (دارای ۲ هکتار زمین و صاحب ادوات کشاورزی)، دهقانان متوسط (دارای ۱/۵ هکتار زمین و دامدار، دهقانان فقیر (کمتر از ۱ هکتار زمین و کارگر)، خوش‌نشینان.

مفاهیم اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	خوشه فراگیر
پرس‌وجو از روابط شخصی و نسبت خویشاوندی غیربومی	تامیت	اجتماع	کنترل اجتماعی و سازوکارهای عرفی
خریدن زمین توسط همسایه، پسرعمو، پسردایی	شبکه اجتماعی خریداران	قاعده شرعی حق همسایگی	
مشاع‌بودن زمین، احترام به همسایه	نفوذ شریعت		
شناس‌بودن و نسبه‌دادن دستفروش غیربومی	کاسب و محرم	پذیرش استثنایی دستفروشان به‌مثابه «کاسب» و «محرم»	
حضور موقتی دستفروش، مغازه‌نداشتن و بساط‌کردن	فقدان حق مالکیت		
معرف‌داشتن، دامادبودن، پسردایی‌داشتن	منتسب به گروه خودی		
ازدواج‌کردن با غیربومی، سولاری‌شدن غیربومی	الحاق و ادغام نهادی		
بدمرامی، مشروب‌خواری و خوش‌گذران‌بودن غیربومی	شخصیت غیراخلاقی	سازوکارهای پیشگیری اخلاقی: از تحریم تا تنبیه	
انجام کارهای غیراخلاقی در باغ اجاره‌شده توسط غیربومی	تحریم اجاره‌کننده خاکی		
نفرین‌کردن، ناسزاگویی و دشمن‌شدن با فروشنده بومی	مجازات غیررسمی		
فروش مخفیانه، زمین‌های دوردست، ساخت باغ	نقض پنهانی عرف محلی	اعتراض جمعی و بازپس‌گیری زمین	
مالک‌شدن فرد غیربومی، پس‌گرفتن زمین از او	حفظ اصالت		
ورود اقشار غیربومی به روستا، تخطی از هنجارهای عرفی	تهدید نظم اجتماعی محلی	تعارض قانون رسمی با عرف محلی	
مخالفت با انجام امور مربوط به زراعت توسط غیربومی	تهدید خودمختاری محلی		
قبول‌نداشتن قیمت کارشناس محلی توسط فروشنده بومی	کاهش نقش مرجعیت	تضعیف اقتدار سنتی و فروش توافقی	تحولات اقتصادی و بازساخت مناسبات اجتماعی
افزایش‌دادن قیمت در بین بومیان، چانه‌زنی بر سر قیمت	ساخت معیار اقتصادی محلی		
افزایش هزینه ازدواج، جهیزیه، مخارج عروسی	تورم	وضعیت استثنایی ابزار مشروع‌سازی	
مخارج ابتلا به بیماری، گرفتاری مالی، نیازمندی	کاهش قدرت خرید		
گرانی، بی‌خبری کارشناس محلی از قیمت بازار	محاسبه‌گری اقتصادی	اقتصاد بازارمحور و تضعیف همبستگی	
نفی قیمت‌گذاری سنتی زمین و راکدبودن آن	ارزش اقتصادی زمین	منع فروش: قاعده‌ای اخلاقی یا سلطه‌آور؟	
مخالفت دهقانان مرفه با افزایش قیمت زمین و آب	سرمایه‌گذاری روی زمین		سیاست توسعه و تعارضات ارزشی
ناچارشدن دهقان خرده‌پا از فروش زمین به وقت نیازمندی	تهدید حیثیت خانوادگی		
طرح بوم‌گردی، طرح اقامتگاهی، افزایش درآمد روستاییان	جنبه اقتصادی توسعه	سیاست توسعه: میدان نزاع فرهنگی	
مخالفت دهقانان خرده‌پا و جوانان با طرح‌های روستایی	پابندی به عرف محلی		
ساخت خانه‌باغی، احداث بوم‌گردی، تزئین کوچه‌باغ‌ها	زیباسازی بومی	تجاری‌شدن زمین در روستای زیارتگاه	
رشد قیمت‌ها، دزدی، درگیری، تغییر بافت محلی	شهری‌شدن	نفوذ سوداگران در توسعه روستا	
همراهی‌کردن سوداگران با طرح‌های توسعه	نگرش اقتصادی به توسعه روستا		
جلب حمایت سوداگر توسط مدیران روستایی	خبریه‌ای‌شدن توسعه محلی		

۵-۱. حرمت زمین: زمین به‌مثابه امر اخلاقی- هویتی

حفظ مالکیت زمین در برابر غیربومیان، زمین را حامل بار اجتماعی عظیمی می‌کند و آن را از کالای قابل‌معامله و محصور در جهان مادیات به موجودیتی فرامادی، غیرقابل‌فروش و سازنده هویت بدل می‌سازد. از این جهت، نه‌تنها باید از موجودیت فیزیکی زمین در مقابل اعمال تهدیدکننده (فروش، دزدی، خسارت) جلوگیری کرد، بلکه باید از حریم اجتماعی روستا در ارتباط گسترده‌اش با زمین (نیاکان، آزادی، امنیت) نیز محافظت ورزید. کد ۱ می‌گوید: «ما اصلاً پول نمی‌خوایم. غریبه که اومد اینجا، خرابکاری می‌کنه. بذار زن‌هامون که می‌آن بیرون آزاد باشن.» کد ۱۱ توضیح می‌دهد: «طرف می‌گه حاضرم به سولاری زمین رو ۵۰ میلیون بدم، ۵۰ میلیون ضرر بکنم، ولی اون اتفاقه نیفته که غریبه‌ها بیان و این بحث‌ها پیدا شه و اون امنیت پیدا شه، زن و دخترم آزاد نباشن تا دیروقت توی

باغ باشند و موقع رفتن به چیزی هم از باغ کناری بچینن ببرن.» نوعی تقدس پیرامون مفهوم زمین وجود دارد که بازنمایی کل روستا از مقوله زمین را می‌رساند. در این تصویر، زمین به مثابه بخشی از وجود اهالی روستا و حامل بار تقدسی است که از نیاکان وابسته به آن زمین (به مثابه نشانه‌ای از هویت‌مندی) به یادگار مانده است و بنابراین غیرقابل فروش می‌نماید. نکته کلیدی اینجا است که مالکیت زمین تا پیش از اصلاحات ارضی در اختیار دهقانان نبود و تنها پس از آن بود که کشاورزان مالک زمین شدند. بدین ترتیب، بار تقدس زمین، نه فقط امری سنتی که حاصل برهم‌کنش تحولات اقتصادی جدید است. از این گذشته، زمین حریمی اجتماعی دانسته می‌شود که شرط اصلی آن، حفاظت از ناموس، امنیت و آزادی زنان روستا است.

۵-۲. مالکیت تنیده در اجتماع

مراقبت جمعی در مقابل ورود غیربومیان به روستا وظیفه‌ای اجتماعی در بین اهالی روستا، به‌ویژه دهقانان و دامداران است. این بدان معنا است که فرد بومی با اتکا به گروه خودی و قواعد نانوشته روستا می‌تواند هرگونه ورود را غیرمجاز تشخیص دهد. افزون بر این، سیستم آبیاری روستا به دلیل نقش‌های اجتماعی محلی و نظارت جمعی، مانعی جدی بر سر راه فروش زمین به فرد غیربومی به‌شمار می‌آید. گروه هم‌طاقی^۱ در تمامی ساعات شبانه‌روز در مزارع و باغ‌ها مشغول آبیاری هستند و کنترل روستا را در دست دارند. کد ۱۱ در قالب مثالی فرضی این قاعده را چنین شرح می‌دهد: «مثلاً شما اومدی با موتور یا ماشینت بری، می‌بینی فلانی می‌آد اینجا و می‌ره! به روزم شما رفتی بهش گفتی: می‌گم ها، سید ببخشید ها، من الان یک ساله دارم می‌بینم تو با زنت داری می‌آی اینجا و می‌ری. تو اگه مهمون هاشم هستی، از اینجا نمی‌ری خونه‌شون؛ می‌آی اینجا و می‌ری. جریان چی چیه؟» اشاره به عبارت‌هایی نظیر «سید» و «رفت و آمد زن و شوهری» نشان از تام‌بودن رابطه اجتماعی در روستا دارد که هر نوع مقام و رابطه شخصی را دربرمی‌گیرد. کد ۴ درباره عملکرد گروه هم‌طاقی اظهار می‌کند: «اگه کسی مخفیانه بفروشه، آخرش به جوری معلوم می‌شه. چون به چیز مشترکه... این کشاورزی و آبیاریش هم به جوریه که اگه هرکس خرید باید بره بعد از هم‌طاقی خودش آب رو بنده روی زمینش و بکاره. اون وقته که معلوم می‌شه.» بنابراین، شبکه‌ای توأم از تعامل و نظارت حول معامله زمین برقرار است که با احساس وظیفه و همبستگی جمعی حفظ می‌شود و همیاری متقابل در زمینه فروش را سامان می‌بخشد.

۵-۳. قاعده شرعی «حق همسایگی» به مثابه عرف تثبیت شده

در فقه اسلامی، قاعده‌ای شرعی درمورد فروش ملک وجود دارد که به آن «حق همسایگی» گفته می‌شود. همسایگی از بعد مکانی حدی دارد. در احکام اسلامی و به‌خصوص با تأکید بر سخنان پیامبر اکرم تا چهل خانه از هر طرف، همسایه تلقی می‌شود و نسبت به آن‌ها وظایف بسیار متنوعی برعهده مسلمانان است (خیرالدین و دلایی میلان، ۱۳۹۶: ۱۳۴). از همین رو، همسایه به‌نوعی خانواده دوم تلقی شده است (همان). در روستا به پیروی از این قاعده شرعی، مالک زمین (زراعی یا مسکونی) به هنگام فروش باید حق همسایگی را به‌جا آورد و ابتدا همسایه خود را مطلع کند. این نوعی ادای دین است که با اولویت قراردادن همسایه محقق می‌شود. پس از اطلاع‌رسانی و در صورت تمایل نداشتن همسایگان به خرید، مالک به لحاظ عرفی مجاز است که خریدار بومی دیگری برای زمین خود پیدا کند. کد ۱۱ بیان می‌کند: «شما وقتی می‌خواهی خونه‌تون رو بفروشی - این تقریباً عرفه - می‌گن اول به همسایه می‌رسی؛

۱. هم‌طاقی به گروهی از کشاورزان یا حقابه‌داران گفته می‌شود که یک طاق آب را با هم شریک می‌شوند و براساس سهم حقابه خود، در زمان‌های معین از آن استفاده می‌کنند.

مشاع، همسایه‌ست... توی بحث کشاورزی هم همین‌طوره. توی یه طاق^۱ وقتی می‌خوان خریدوفروش کنن، اول به هم‌طاقی‌های خودشون می‌گن.» کد ۴ اظهار می‌کند: «از همون زمان قدیم توی خودهاشون معامله و معاشرت می‌کردن؛ مثلاً می‌خواسته بفروشه، همسایه‌ش یا پسرعمو یا پسرده‌بیش می‌خریده.» بنابراین، حق همسایگی، نوعی از نظارت اجتماعی نهادینه‌شده در عرف محلی روستا است که معامله زمین را تنظیم می‌کند.

۵-۴. پذیرش استثنایی دستفروشان به‌مثابه کاسب و محرم

دستفروشان غیربومی برای برپایی بازار هفتگی به روستا می‌آیند. روستاییان با کاسب‌خواندن دستفروش، وی را وارد نوعی از روابط اجتماعی نزدیک با خود می‌کنند و او را محرم می‌خوانند. نبود مالکیت (زمین، مغازه) و موقتی‌بودن اقامت دستفروشان، حضور آن‌ها در روستا را پذیرفتنی کرده است. افزون بر این، امکان نظارت اجتماعی بر دستفروشان به‌دلیل بساط‌کردن آن‌ها در ملاعام، مانع از خسارت یا تعرض به حریم شخصی اهالی روستا می‌شود. مجموع این موارد سبب شده تا مراوده زنان روستا با دستفروشان امری معمول باشد و خطری را متوجه ناموس روستاییان نکند. کد ۱ می‌گوید: «چون اومده‌ن اینجا شناس شده‌ن، نسبه می‌دن. بعضی‌ها هستن از شهر می‌آن اینجا، اون وقت مردم می‌رن ازشون چیز می‌خرن... تا ظهر چیزهاشون رو می‌فروشن و ظهر هم بساطشونو جمع می‌کنن و می‌گن خداحافظ شما.» کد ۸ اظهار می‌کند: «این رو بهش می‌گن کاسب... این‌ها دیگه محرم سولارن و یه اسمی روشون گذاشته‌ن: میرزا عزیزچی، مرد سبزی، مرد روحی و این‌ها.» کد ۱۱ بیان می‌کند: «اون کاسبه، دکون که نداره توی سولار، می‌آد در انتظار مردم بساطش رو پهن می‌کنه.» بنابراین، مواردی مانند محرمیت، امکان نظارت مستقیم در ملاعام و البته موقتی‌بودن اقامت دستفروش در روستا از دلایلی است که حضور فرد غیربومی و فاقد مالکیت را در روستا پذیرفتنی می‌کند.

۵-۵. سازوکارهای پیشگیری اخلاقی: تحریم اجاره‌کننده خاکی و تثبیت کنترل جمعی

یکی از دلایل منع فروش زمین و مالک‌شدن فرد غیربومی، اعمال غیراخلاقی‌ای است که در روستاهای همجوار سولار رخ داده و تجربه شنیداری آن نزد اهالی روستا نقش بازدارندگی را ایفا می‌کند. به سخن دیگر، روستاییان سولار با نگاه به وضعیت سایر روستاهای همجوار که غیربومی را در خود پذیرفته‌اند و با شناسایی پیامدهای ناگواری که تصور می‌شود دامن روستای خودی را بگیرد، به نوعی پرهیز اخلاقی گرایش دارند. در این میان، یکی از سازوکارهای کنترل و نظارت اجتماعی در روستا که از قاعده منع فروش زمین به افراد غیربومی نشئت می‌گیرد، تحریم اجاره‌کننده غیربومی‌ای است که طبق هنجارهای محلی رفتار نکرده و سبب اختلال در نظم اجتماعی روستا شده است. روستاییان در صورت مشاهده مورد غیراخلاقی از سوی اجاره‌کنندگان غیربومی در باغ‌های اطراف خود، تذکر مستقیم می‌دهند یا به‌سرعت با مالک باغ تماس می‌گیرند و از او می‌خواهند که اجاره‌کننده را به‌اصطلاح متنبه کند. در صورتی که تذکر افاقه نکرد، روش بعدی تحریم جمعی از سوی روستاییان است؛ به‌طوری‌که مشخصات این فرد به کشاورزان داده و از آن‌ها خواسته می‌شود تا در سال‌های آتی از اجاره باغ به این شخص خودداری کنند. کد ۱۱ یکی از این موارد را این‌گونه شرح می‌دهد: «خیلی وقت‌ها موقع انگور می‌آن باغ اجاره می‌کنن دیگه. طرف از وقتی انگورها هنوز غوره‌ست می‌آد اجاره می‌کنه تا زمان برداشت؛ یعنی می‌بینی دو ماه سه ماه این باغ اجاره‌ست. این دو ماه سه ماه ممکنه هزار مثلاً کثافت‌کاری هم بکنه ها، ولی اولاً که

۱. طاق واحد زمانی محلی برای اندازه‌گیری زمان استفاده از آب معادل نصف شبانه‌روز (۱۲ ساعت) است و نشان‌دهنده مدتی است که کشاورز حق استفاده از آب قنات را دارد (طاووسی، ۱۳۸۴: ۹۸).

چون باغ اجاره‌شده کمتر از وقتی که مالک باشه اذیت می‌کنه، این یه بحثه. بعدش هم اون طرفی که داده اجاره، اگه شما اومدی گفتی فلانی، تو باغو دادی به این، هرروز بلند می‌شن می‌آن اینجا با ۴-۵ نفر زیر درخت‌هاش می‌شینن عرق می‌خورن، می‌گه: آقا، من دیگه امسال این اشتباه رو کردم. حالا سال دیگه چشم‌هام رو باز می‌کنم به این نمی‌دم. به بقیه سولاری‌ها هم می‌گیم به این باغ ندین.» بدین ترتیب، وجدان جمعی از ناهنجاری و تهدید اخلاقی ناشی از اجاره‌کننده غیربومی مصون می‌ماند و نظارت جمعی تداوم می‌یابد.

۵-۵-۱. مجازات غیررسمی، ابزار تنبیه عرفی و تهدید اخلاقی

روستاییان سولار، همان‌گونه که تا اینجا مشخص شد، برای برقراری نظم اجتماعی از تدابیر رسمی و حقوقی استفاده نمی‌کنند. این قاعده درخصوص مجازات‌ها نیز برقرار است و چنانچه شخصی از عرف اجتماعی روستا در زمینه منع فروش چشم‌پوشی کند، مشمول لعن، نفرین، دشنام و خصومت خواهد شد که تمامی‌شان بار اخلاقی دارند. این مجازات‌ها، شخص خاطی را به سزای عملش که در نوع مجازات مندرج است می‌رساند و با شکلی از سرنوشت‌گرایی عجین است. این نوع مجازات، گران‌مایه‌ترین ارزش اخلاقی-اجتماعی فرد خاطی را که همان حیثیت و آبرو است در معرض تهدید قرار می‌دهد و چه‌بسا موجب عذاب نیاکان او می‌شود. کد ۱ اظهار می‌کند: «ه، به غریبه نمی‌دارن زمین بدن. به غریبه اگر دادن، می‌گم که مردم دشنام می‌دن و می‌گن: الهی خیر نبینه... ببین، تو همه این کارها رو می‌کنی برای خوبی، که برای پدر و مادرت یه وقت آتیش‌کوری^۱ فراهم نکنی.» چنان‌که از این عبارات پیدا است، مجازات فروش زمین در روستا فقط متوجه فروشنده نیست، بلکه می‌تواند دامان یک خانواده یا گروه خویشاوندی را بگیرد و آن را در بین روستاییان بی‌اعتبار کند و این نسبت بین زمین و گذشتگان را نشان می‌دهد. از این گذشته، کد ۴ با اشاره به «بدنام‌شدن فروشنده آغازین» توضیح می‌دهد: «اون وقت خیلی‌ها می‌گن: برای خودت آتیش‌کوری درست نکن، که مثلاً ناله و نفرین کنن، بگن فلان‌فلان‌شده، اون این کار رو کرد که مثلاً این غریبه اومده اینجا، اون پاشو باز کرده اینجا.» بدنام‌شدن نخستین فروشنده با ماندگاری آن در خاطره جمعی پیوند دارد؛ به این جهت کسی نمی‌فروشد که جرئت نقض این قاعده به‌عنوان نخستین فرد را ندارد. به‌علاوه، بار اخلاق جمعی در عبارت‌هایی که با ضمایر جمع و فاعل محذوف نشانه‌گذاری شده، نوعی تأکید توأمان بر وظیفه تنظیم منافع شخصی هم‌راستا با اخلاق جمعی است.

۵-۶. اعتراض جمعی و بازپس‌گیری زمین به‌مثابه بازسازی عرف محلی

با اینکه اغلب مجازات‌ها به‌صورت اخلاقی و نهانی صورت می‌پذیرد، اما این به معنای نبود اعتراض اجتماعی و علنی نیست. فرد بومی روستا که از عرف اجتماعی عدول کند، با اعتراض جمعی مواجه می‌شود و باید بتواند پاسخگوی انتظارات جمعی روستا باشد. با اینکه فروش زمین به فرد غیربومی، نقض عرف اجتماعی است، مواردی وجود دارد که تعداد انگشت‌شماری (دو نفر) تاکنون اقدام به این کار کرده‌اند. این عمل آن‌ها البته بدون پاسخ باقی نمانده است. کد ۱۱ اظهار می‌کند: «ببین، اینجا دو نفر فروختن (از دهقانان مرفه)، که یکی شون داد به کریم که رئیس عقیدتی-سیاسی چهار تا استان بود و سید هم بود. خب بعد که مردم فهمیدن، همه گفتن چرا این کار رو کردین؟ درحالی‌که خریدار یه روحانیه. اصلاً زیاد نمی‌آن توی باغ، باغش هم دوردسته و توی محدوده‌ای که زن و بچه و این‌ها برن نیست. با وجود این مردم اعتراض کردن.» همان‌گونه که در قسمت قبل نیز اشاره شد، نه‌تنها مقام خریدار غیربومی (در اینجا، روحانی)

۱. «آتیش‌کوری» در اصل به معنای دشنام‌دادن به مردگان (پدر و مادر) فرد است که در باور عرفی موجب عذاب آن‌ها در برزخ و دوزخ خواهد شد (آتش‌باریدن بر گور).

مجوزی برای فروش زمین به او نیست، بلکه شبکه نقش‌های محلی در پیوند با یکدیگر بر انجام معاملات نظارت دارند و بنابراین، در مرتبه اول مانع فروش و در مرتبه دوم معترض می‌شوند. یکی از شیوه‌های اعتراض که با حفظ اصالت نیز هم‌پوشانی دارد، بازپس‌گیری زمین فروخته‌شده از خریدار غیربومی است. کد ۴ در شرح واقعه‌ای تاریخی در همین زمینه می‌گوید: «همین زمینی که حالا حشمت (سوداگر مقیم اصفهان) برداشته باغ کرده، این رو رحمت (دهقان خرده‌پا) فروخته بود به دامادش. بعد اون فروخته به یه غریبه. غریبه اومده زمین زراعی رو صاف کرده و گفته می‌خوام اینجا رو باغ کنم. بعد که خبرش پخش شد، حشمت شنید. اومد قولنامه‌ش رو نوشت و دوباره زمین رو پس گرفتن.» در این شیوه، زمین به قلمرو معنوی اهالی روستا ضمیمه می‌شود تا اصالت روستا بازیابی شود.

۵-۷. تعارض قانون با عرف

قانون از مقررات حقوقی عام، تعریف‌شده، دارای ضمانت اجرایی و تنظیم‌شده توسط حاکمیت سیاسی مستقر در هر کشوری است که بر مبنای آن فردی مجرم شناخته می‌شود و مجازات می‌شود. عرف اما قواعد و هنجارهای محلی، مبهم، منتقل‌شده و جمعی است که به اهالی یک اجتماع خاص به ارث رسیده و بر مبنای آن جنبه‌های هویتی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی روزمره آن‌ها تنظیم می‌شود. تعارض بین قانون و عرف هنگامی آشکار می‌شود که به اصل «مالکیت خصوصی» برخورد می‌کنیم. اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت مالکیت خصوصی را مشروع و قانونی می‌شمارد و هر شخص بالغی را صاحب‌اختیار دارایی‌های خود می‌داند. در مقابل، عرف اجتماعی در سولار مالکیت را همچنان امری مطلق، اشتراکی و منوط به هنجارها و باورهای محلی می‌داند که اختیار آن تنها در دست فرد مالک نیست و او نمی‌تواند خارج از روابط جمعی و صرفاً بر مبنای تصمیم شخصی اقدام به فروش زمین کند. کد ۲ می‌گوید: «دلیلش اینه که غریبه که اومد تو، همه گروهی رو برمی‌داره با خودش می‌آره سولار. نمی‌تونیم هم که بگیریم چرا اومدین. می‌خواد بگه من خونه خریدم، زمین خریدم.» کد ۴ با بیانی استعاری به تعارض قانون و عرف اشاره می‌کند: «مثلاً اگه نصف آبادی رو غریبه‌ها اومدن خریدن، اگه این‌هایی که مال اینجان گفتن ما می‌خوایم کف چاه‌های قناتمون رو مثلاً یک متر دیگه بکنیم ببریم پایین‌تر، یه عده مخالفت می‌کنن. یه وقت می‌بینی اون‌ها مثلاً زور می‌شن. اون وقت سولاری‌ها می‌گن این چه کاریه که ما بیاییم شاخمون رو با شاخ گاو میش گل هم بندازیم (بیاویزیم). این یه ضرب‌المثله. گاو میش زور داره و شاخش خیلی محکمه، اگه اومد چیز کرد، مثلاً شاخ یه گاو رو می‌زنه می‌شکونه.» در این بیان استعاری که خودی را در برابر غیر خودی می‌نشانند، گاو میش نماد اقلیت غیربومی و متکی به قانون و گاو نماد اکثریت بومی و متکی به عرف است که رویارویی آن‌ها در نهایت به تسلیم‌شدن بومیان می‌انجامد.

۵-۸. تضعیف اقتدار سنتی و ظهور فروش توافقی به‌مثابه سازوکار جدید همیاری اقتصادی در مواجهه با بازار

«از جاکندگی زمان و مکان»^۱ به معنای «کنده‌شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم‌کنش و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی-فضایی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). این تحولات به محیط‌های روستایی نیز سرازیر شده و روستاییان نیز امروزه با توجه به هوشمندشدن خدمات (پرداخت الکترونیکی، تراکنش بانکی و...) در این مسیر ادغام شده‌اند. در همین راستا، تشکیل گروه‌های خانوادگی و کانال خبر دهیاری سبب شده تا این بار افراد بومی فروشنده به دنبال جذب مشتری باشند و با پیشنهاد قیمت توافقی (در مقابل قیمت کارشناس محلی) مشخصات ملک خود را در اختیار دیگران بگذارند. کد ۱۳ درباره نحوه فروش با قیمت

توافقی اظهار می‌کند: «ببین، تو مثلاً پسرعموت می‌خواد بیاد سولار یه زمین بخره از تو، تو مالکی. می‌ره مصدق^۱ رو می‌بینه. تو بگو من اونو روی این قیمت قبول ندارم، روی قیمت غریبه هم بهت نمی‌دم، توافق می‌کنیم یه قیمتی بهت می‌دم.» کد ۷ در همین راستا توضیح می‌دهد: «دیگه بیشتری‌ها توافقیه. ببین، الان چند روز پیش هاشم (دهقان مرفه) یه پلاک زمین فروخت، گفت: من می‌دم متری ۳۰۰ هزار تومن. در صورتی‌که این اگه طبق کارشناسی مصدق روستا بود، فکر می‌کنم متری ۳۰ [هزار] تومن قیمت می‌کرد. ولی اون‌ها آخرش چونه زدن، فکر می‌کنم بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومن معامله کردن. اینه که توافقیه.» در مجموع، فروش توافقی یکی از ابداعات جدیدی است که هرچند نشان می‌دهد ارزش اقتصادی زمین در روستا اهمیت یافته، اما شیوه‌ای برای حفظ و نگهداری نظم اجتماعی خودمختار در روستا است. از آنجا که خریدار زمین حتماً باید بومی روستا باشد، قیمت توافقی شیوه‌ای از همیاری جدیدی است که از بین قیمت بازار و قیمت محلی به حد واسط تکیه کرده و موجب قیمت پیدا کردن زمین فروشنده در عین حفظ توانایی خریدار و درنهایت، تداوم نظم اجتماعی موجود شده است. توافقی‌شدن قیمت همچنین از نوعی فردگرایی اخلاقی حکایت دارد که برای ارزش‌های فردی در مقابل ارزش‌های جمعی اهمیت قائل است؛ هرچند نمی‌تواند به‌کلی فردگرا باشد و همچنان به قاعده کلی منع فروش زمین وفادار مانده است. درنهایت، یکی از کارکردهای اصلی برقراری این قاعده، جلوگیری از تورم قیمت زمین در روستا است که با روستاهای همجوار در تعارض است.

۵-۹. وضعیت استثنایی ابزار مشروع‌سازی

با وجود برقراری قاعده نانوشته منع فروش زمین به افراد غیربومی، عده انگشت‌شماری از این قاعده عدول کرده‌اند. این افراد خود و عملشان را در شرایطی از اجبار توصیف می‌کنند. واژه اجبار بسیار حائز اهمیت و حامل معنای اخلاقی است؛ موقعیتی که قاعده مذکور را تعلیق و آن را به وضعیتی استثنایی تبدیل می‌کند. از آنجا که در چنین وضعیتی آبرو، حیثیت و شرافت فرد یا گروه در معرض تهدید قرار می‌گیرد، عمل غیرمجاز به امر مجاز تبدیل می‌شود. این مورد استثنایی که به‌تازگی و به‌تبع افزایش تورم در سطح ملی و رکود قیمت زمین در سطح محلی در دهه گذشته ابداع شده، هم شیوه‌ای برای حفظ حیثیت فردی و هم نشانه‌ای از اخلاق فردگراتر است که بیشتر به منفعت فردی راجع است تا منافع جمعی. مواردی مانند فراهم کردن جهیزیه یا خرجی مراسم دامادی (به نسبت جنسیت فرزند)، ابتلا به بیماری‌های مزمن و صعب‌العلاج که هزینه مالی سنگینی به همراه دارد و... از مواردی است که ممکن است روستایی را مجبور از فروش زمین به فرد غیربومی کند. آنچه با فروش زمین حفظ می‌شود، همان آبرو و حیثیت خانوادگی است. کد ۷ بیان می‌کند: «شاید برحسب نیازی که توی زندگیم دارم؛ آقا من امروز نیاز دارم می‌خوام دخترم رو شوهر بدم، یه پلاک زمین بفروشم، این همچین منعی نداره.» کد ۱۳ در روایتی از تجربه شخصی خود اظهار می‌کند: «مثلاً من اون روز که این مریضی برام پیش اومد، خب هزینه خیلی بالا بود. اگه مثلاً غریبه اومده بود، من حالا می‌تونستم یکی از زمین‌های کشاورزیم رو باغ کنم بدم به یه غریبه ۲ میلیارد ارزش بگیرم.» بالین‌همه، تلاش برای مشروع‌سازی در وضعیت استثنایی را می‌توان از آخرین تلاش‌ها برای حفظ قاعده منع فروش دانست. کد ۱۳ توضیح می‌دهد: «طولی نمی‌کشه -شاید تا پنج سال دیگه- که زمین‌هاشونو می‌فروشن به غریبه یا مجبور می‌شن به غریبه بگن بیاد کار کشاورزیش رو بکنه. ما تا چند سال دیگه رعیت (کشاورز) نداریم.» درواقع، به‌دلیل نبود نیروی جایگزین در بخش کشاورزی و متقابلاً عدم توانایی مقابله قاعده مذکور با فراگیری امر اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود منع فروش زمین مسیری روبه‌زوال را پیماید.

۱. کارشناس یا ارزیاب محلی روستا که کار برآورد قیمت آب، ملک و محصولات باغ را برعهده دارد.

۵-۱۰. اقتصاد بازار محور و تضعیف شبکه همبستگی محلی

تورم افسارگسیخته، به‌ویژه طی دهه اخیر، و به‌تبع آن گرایش به‌سوی مطلوبیت و ارجحیت ارزش‌های اقتصادی موجب قلمروزدایی از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی شده است. این موضوع محدود به نقاط شهری نیست و با درنوردیدن مرزهای محلی، روستاها را نیز متأثر ساخته است. این تحول به زیان روستاییان سولار بوده که در آن امر اجتماعی هنوز تعیین‌کنندگی دارد و رکود زمین (به‌دلیل معامله بین گروه خودی) مهم‌ترین نمود آن است. این موارد سبب شده تا دهقانان، چه مرفه و چه خرده‌پا، درصدد فروش زمین‌های خود به غیربومیان برآیند. کد ۱۱ توضیح می‌دهد: «هسته‌آهسته شروع کردن به فروختن. ببین، الان شرایط اقتصادی به جوری شده که شما می‌خواهی دخترت رو شوهر بدی یا پسرت رو زن بدی، غریبه زمینت رو می‌خره ۱۰۰ میلیون، سولاریه می‌خره ۳۰ میلیون. اگه شما اومدی زمینت رو فروختی، شکایت که نمی‌تونن بکنن. فوقش می‌آن می‌گن: فلانی، زمینت رو چرا فروختی به غریبه؟ می‌گه: آقا، این غریبه ۱۰۰ میلیون به من پول می‌ده، هرکی ۱۰۰ میلیون رو داد من می‌دم به اون.» کد ۱۳ دربارهٔ کم‌رنگ‌شدن نقش مصدق در تعیین قیمت‌ها می‌گوید: «اون روزها به ریش سفید که به حرف می‌زد، قبول داشتن. حالا مصدق هم پیر شده، خبر از قیمت‌ها نداره که چه وضعیه؛ مثلاً تو ببین، به پراید صفرش بوده ۸ میلیون، رعیتی‌هام روی اون بوده. حالا به پراید شده ۳۰۰ و خرده‌ای، این‌ها رو که مصدق خبر نداره که قیمت اگه بخوای اصلش باشه، باید کارشناس بیاد روی قیمت‌های حالا قیمت بذاره.» کد ۷ در انتقاد شدید از مصدق روستا و قیمت‌گذاری نازل زمین توسط او اظهار می‌کند: «از نظر کارشناسی انقدر پایین قیمت کرده که عجیبه. ببینید، مثلاً سولار وقتی بخواین مقیاس بگیرید، به زمین رو مثلاً حالا خیلی خوب قیمت کنن می‌شه متری ۵۰ هزار تومان. اون وقت حبیب (دهقان مرفه) این تره سبزی‌خوردن رو می‌آد در دکون می‌ده کیلو ۵۰ هزار تومان. ببین، پس کارشناسی این بابا صفره.» این سخنان نشان می‌دهد روستا به‌سوی امر اقتصادی در حرکت است. این بار، ارزش اقتصادی است که تنظیم‌کنندگی دارد و معیار اعتماد و تفاهم شناخته می‌شود. هرچند ابتکاراتی مانند قیمت توافقی، پیوند سببی و نقض قاعده در شرایط اضطرار تاکنون عامل اصلی ماندگاری قاعده منع فروش زمین در روستای سولار بوده است، اما رشد اخلاق فردگرا و به‌ویژه روحیه اقتصادی (متأثر از سیاست‌گذاری) سبب شده تا گرایش به کسب سود بیشتر به تضعیف همبستگی محلی و همیاری‌های اجتماعی بینجامد.

۵-۱۱. منع فروش زمین: قاعده‌ای اخلاقی یا سلطه‌ای نمادین؟

تا اینجا به توصیف و تفسیر قاعده منع فروش زمین از دیدگاه مطلعان پرداختیم. غالب این تفاسیر از نگاه اخلاقی و اجتماعی حکایت داشت و حتی درمورد نقض آن -که استثنایی مورد پذیرش بود- کاشف به عمل آمد که فرد نیازمند و مستأصل در لحظاتی معین (بیماری، مراسم و...) می‌تواند قاعده مذکور را به تعلیق درآورد و اخلاق جمعی آن را به رسمیت بشناسد. اما با درنظرگرفتن بعد اقتصادی مشخص شد که برقراری قاعده مذکور در عمل برای گروهی از دهقانان مرفه روستا کارکرد مثبت دارد. به عبارت دیگر، کاهش قیمت زمین سبب می‌شود تا دهقانان خرده‌پایی که سرمایه دیگری در اختیار ندارند مجبور به فروش زمین‌های خود شوند. در همین حین، این دهقانان مرفه هستند که توانایی خرید دارند و عرف اجتماعی روستا از این نگاه به سود آنان تمام می‌شود. جالب اینجاست که هردو نفری که از قاعده منع فروش عدول کرده‌اند، دهقان مرفه بوده‌اند. جالب‌تر اینکه این گروه از مخالفان سرسخت افزایش قیمت در روستا هستند؛ چرا که افزایش قیمت در اجتماع محلی، قدرت خرید آن‌ها را تهدید می‌کند. کد ۱۱ در این زمینه سخنانی شنیدنی دارد: «اون‌هایی که همیشه خریدارن می‌خوان که قیمت‌ها پایین بمونه، چون به زمانی من گفتم که سولار آب پنجه (۱۵ دقیقه) ۱۰ میلیون بوده، الان شده ۱۰۰ میلیون. چند نفر از عمده‌مالکا که توی کارن که ببینن کی اینجا می‌خواد رعیتی بفروشه، این‌ها می‌گفتن: نه، این قیمت‌ها زیاده. برای چی چی این قیمت‌ها رو گذاشتن؟ به مصدق می‌گفتن چرا این جوری قیمت کردی. اون‌هایی که پول دارن، وقتی دیدن یکی می‌خواد

زمینش رو بفروشه ارزش می‌خرن. وقتی طرف توی تنگنا قرار می‌گیره، دیگه مجبور می‌شه زمینش رو بفروشه.» کد ۲ در همین مورد بیان می‌کند: «حاج کاظم و این‌ها خب همه‌شون کشاورزن... بعد اینکه نشستن و شام خوردن، گفتن که هادی (سوداگر مقیم اصفهان) گفته که: ۱۵ دقیقه آب سولار رو مصدق قیمت کرده ۱۵ میلیون. دامادمون به من گفت: ۱۵ دقیقه آب تا ۳۰ میلیون تومن هم اگه برای من پیدا کردی من می‌خرم. آقا این همین رو گفت که ما دیدیم یا علی! که مثلاً حاج کاظم و بقیه گفتن: بیخود کرده که می‌خواد این قیمت‌ها رو توی ده بذاره! بعد ما وقتی همه رفتن گفتیم: خوبه که. بعد حاج کاظم گفت: نه عامو! پس فردا فالانی می‌خواد آبش رو بفروشه، می‌دونی من چقدر باید پول بدم؟» نکته‌ای که باید بر آن تأکید کرد این است که اخلاق اقتصادی در سولار در عین کارکرد انسجام‌بخش، کارکرد انسدادگر نیز دارد. درواقع، درحالی‌که برای جمع حس هویت و همبستگی ایجاد می‌کند، فرصت رقابت منصفانه و جبران نابرابری را از برخی دیگر می‌گیرد. در اینجا اخلاق و سلطه دو روی یک نظم نمادین‌اند؛ بنابراین، از منظر انتقادی، تمایز بسیار مهمی که باید آن را برجسته کرد این است که میان نیت کنشگران و کارکرد اجتماعی پدیده‌ها تفاوت وجود دارد. حتی اگر نیتی اخلاقی باشد و مسیر خیر و نیکی را دنبال کند، ساختار اجتماعی می‌تواند آن را در خدمت بازتولید نابرابری قرار دهد.

۵-۱۲. نفوذ سوداگران در نظم اجتماعی و توسعه روستایی

در روستای سولار، نوع سیستم آبیاری و نقش‌های گره‌خورده با آن نظم اجتماعی خاصی را رقم زده که جناح‌بندی ارزشی را منتفی می‌سازد. این بدان معنا است که طرح‌های روستایی فقط هنگامی قابلیت اجرایی دارند که در جلسه عمومی متشکل از دهقانان و معتمدان روستا به اجماع رسیده باشد. این ترکیب سبب نوعی توازن در میدان سیاسی روستا شده که خودمحوری را مطرود می‌داند. از سوی دیگر، خشکسالی‌های متوالی، بحران آب و خروج جوانان از بخش کشاورزی، بزنگاه مهمی است که طرح‌های بوم‌گردی و گردشگری مدیران روستایی را توجیه اقتصادی کرده و ایجاد اشتغال و درآمدزایی را به مهم‌ترین هدف توسعه بدل ساخته است. در چنین وضعیتی، مدیران روستایی می‌توانند با همدستی سوداگران بر تفوق امر اقتصادی در روستا بیفزایند و در تصمیم‌گیری تعیین‌کننده باشند. در این موقعیت پیچیده ممکن است رأی کسانی خریده شود یا اقدامات به نفع خیر عمومی روستا توجیه اقتصادی شوند. کد ۱۱ ضمن اشاره به نفوذ قشر سوداگر در پیشبرد اهداف توسعه‌ای روستا توضیح می‌دهد: «شما توی بحث‌های کشورداری هم که حساب کنی، سیاستمدارها در یه سطح نیستن؛ بعضی‌ها زورشون زیاده. حالا اینجا هم اون‌کسایی که ملک و آب بیشتر دارن و عمده‌مالکن، بقیه هم حرفشون رو بیشتر می‌خونن. یه جورهایی می‌شه گفت زورشون زیاده. این یه واقعیه، نمی‌شه انکارش کرد. خود من مثلاً وقتی می‌خواهم یه کاری رو انجام بدم، اول می‌آم اون‌هایی که آب و ملک بیشتر دارن رو با خودم همراه می‌کنم... من اول این‌ها رو توی جلساتی که می‌خواهم پول از مردم بگیریم می‌بینم. چه بخوام چه نخوام، مجبورم اون‌ها رو قانع کنم. من اگه پیام از ۷۲ حبه، ۶۰ حبه از اون‌هایی که خرده‌مالکن رو با خودم همراه کنم ولی اون ۱۲ حبه عمده رو نه، نمی‌شه کار انجام بدم.» همان‌گونه که از این سخنان برمی‌آید، مدیران روستایی با همدستی سوداگران می‌توانند بر تفوق امر اقتصادی در روستا اثرگذار باشند و آینده آن را تعیین کنند. سوداگری، نفوذ و توانایی مالی مجموع ویژگی‌ها است که می‌تواند در بخش مدیریت روستا به یک سوداگر خیر بها دهد و برای اخذ اعتبارات مالی و زدوبندهای اقتصادی روستا، او را بر دیگر اعضا ارجحیت بخشد.

۵-۱۳. تجاری‌شدن زمین در مواجهه با خریدار غیربومی: تجربه زیارتگاه

روستای زیارتگاه، به دلیل نزدیکی به شهر و دسترسی آسان، همواره مقصد اصلی خریداران غیربومی بوده است. به گواه شاهدان محلی زیارتگاه، نقش مصدقی خیلی زود از روستا رخت بر بسته و از اوایل دهه ۱۳۸۰، فروش زمین به افراد غیربومی آغاز شده است. فروش

گسترده زمین به افراد غیربومی به حدی بوده که به ادعای کد ۱۲، دوسوم باغات روستا به خریداران غیربومی فروخته شده است: «لان می‌شه تقریباً ۶۰ به ۴۰؛ اکثر بیرونی هستن و کمترشون از خود اهالی دهن». ورود افراد غیربومی نه تنها سبب افزایش قیمت باغ‌های روستا شده، بلکه بافت محلی روستا را نیز تغییر داده است. این موضوع مشکلات متعددی را با خود به همراه داشته که یکی از آن‌ها فراگیر شدن دزدی و امنیتی شدن فضای روستا است. کد ۹ می‌گوید: «بالاخره گه‌گاهی می‌زنن به باغ‌هاشون، ولی همه‌شون دزدگیر و دوربین بسته‌ن. دزدهاشون خودی نیستن.» با وجود این و به گفته کد ۱۲، پس از فروش، زیارتگاه شاهد تغییرات مثبتی در بخش‌های ساختمانی و معماری بوده است: «لان که فروش رفته، از یه جنبه‌هایی هم خیلی بهتر شده؛ چون باغ‌ها که دست خود مردم بود، عقب‌نشینی نشده بود که یه راه ممری برای باغ باشه. لان بری مثلاً کوچه‌باغ‌ها رو ببینی، خیلی قشنگ‌تره. این قدر قشنگ عقب‌نشینی شده، پل گذاشته‌ن، دیوارها همه یکنواخت و خوب و حتی کوچه‌باغ‌ها مون ساعت ۳ نصفه شب هم که بری قشنگ روشنایی داره.» فراموش نباید کرد که این زیباسازی بومی که مظهر شهری شدن و تورم قیمتی است، مطابق میل افراد غیربومی و با اراده فردی به وقوع پیوسته و نه از طریق همیاری گروهی؛ برای نمونه، عقب‌نشینی، پل‌گذاری و برق‌کشی که در نگاه اول شایسته به‌نظر می‌رسد، برای رفاه حال افراد غیربومی که با خودروی شخصی قصد ورود به باغ خود را دارند صورت پذیرفته و چه‌بسا بومیانی که از انجام این کار امتناع ورزیده‌اند، اساساً نیازی به انجامش نمی‌دیده‌اند. افزون بر این، یکی از معضلات نوپدید روستای زیارتگاه، احداث اقامتگاه‌های گردشگری و بوم‌گردی روستایی است. این طرح‌ها که با همکاری مدیران روستایی انجام و توجیه شده‌اند، در عمل پیامدهای ناخواسته‌ای نیز داشته‌اند. کد ۱۱ اظهار می‌کند: «لان بوم‌گردی مهمان چندین دفعه مشکل امنیتی پیدا کرده که یکی از همسایه‌ها زنگ زده از ۱۱۰ اومده‌ن. آخرشم نتیجه‌ای نداره‌ها، چون مجوز داره.» هرچند تعارض قانون و عرف در زیارتگاه نیز قابل‌مشاهده است، خروج گسترده جوانان از بخش کشاورزی و مهاجرت به شهر سبب شده تا نه تقاضایی برای مالکیت از سوی بومیان وجود داشته باشد و نه نشانی از جامعه‌پذیری و انتقال همیاری‌های محلی در آن یافت شود. این موضوع تا حدی بوده که به مسدود شدن مسیر آب قنات روستا برای یک هفته متوالی انجامیده است. کد ۱۱ در مقام مقایسه دو روستا می‌گوید: «ما قناتمون که چند سال پیش ریزش کرد، چون غریبه توی مردم نبود، جهادی اومدن پای کار و سه‌روزه گیل رو کشیدن بالا. همین اتفاق همون سال برای قنات زیارتگاه افتاد. یک هفته آب از قناتشون نیومد بیرون. چرا؟ چون بیشتر زمین‌هاشون مال غریبه‌هاست.» بدین ترتیب، تجاری‌سازی زمین در زیارتگاه ظرفیت‌های محلی آن را در معرض نابودی قرار داده و شمالی شهری، امنیتی و ناهمبسته را به بار نشانداده است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

قاعده نانوشته منع فروش زمین به غیربومیان در روستای سولار، در نگاه نخست، قاعده‌ای سنتی، اخلاق‌محور و متکی به ارزش‌های دیرینه روستایی به‌نظر می‌رسد؛ قاعده‌ای که زمین را ناموس، امر مقدس یا حیثیت خانوادگی می‌داند و فروش آن به بیگانه را شکافی در همبستگی اجتماعی تلقی می‌کند. اما تحلیل تاریخی و اجتماعی دقیق‌تر این پدیده نشان می‌دهد این قاعده، برخلاف ظاهر سنتی‌اش، بر ساخت مدرنی است که از دل تحولات ناشی از اصلاحات ارضی و تجربه نوین مالکیت دهقانان زاده شده است. تا پیش از اصلاحات ارضی، دهقانان مالک زمین نبودند. آن‌ها گرچه در فرایند تولید نقش داشتند، اما حق تصمیم‌گیری درباره زمین را نداشتند و زمین از حیث حقوقی در اختیار ارباب یا دولت بود. در آن زمان نیز زنان در زمین‌ها کار می‌کردند و غریبه‌هایی نظیر ارباب یا مباشر در روستا حضور داشتند، اما زمین هنوز موضوع تصمیم‌گیری و مراقبت اخلاق جمعی نبود. با واگذاری مالکیت رسمی زمین به دهقانان در دهه ۱۳۴۰، زمین از یک کالای بیرونی به عنصری از هویت، یاد نیاکان و نشانه حیثیت خانوادگی تبدیل شد. این بدان معنا است که

برخلاف گذشته که ارباب به مثابه غریبه پذیرفته شده حضور داشت، اکنون هر غریبه‌ای -ولو سرمایه‌دار یا شهرنشین- می‌تواند تهدیدی برای ساختار درونی اجتماع تلقی شود.

قاعده نانوشته منع فروش زمین، در عمل از خلال مکانیسم‌های درونی کنترل اجتماعی بازتولید می‌شود؛ به‌ویژه مرزگذاری خویشاوندی نقشی کلیدی دارد. خویشاوندان نزدیک نخستین مراقبان اجرای قاعده‌اند و هر نوع فروش به غیربومی را نوعی بریدن از ریشه و عبور از مرزهای خویشاوندی تلقی می‌کنند. این مرزگذاری از سطح خانواده به سطح جماعت تعمیم می‌یابد و به پشتوانه مجازات‌های غیررسمی تقویت می‌شود؛ مجازاتی که نه به شکل حقوقی، بلکه از راه طرد اجتماعی، سرزنش و لکه‌دار کردن حیثیت فرد بروز پیدا می‌کند. باین‌حال، ساختار قاعده همواره یکنواخت و ایستا نیست. در بزنگاه‌هایی مانند فروش در شرایط اضطرار (برای مثال بدهی یا بیماری)، دهقانان فقیر، هرچند به دلایل متفاوت، ناگزیر از شکستن این قاعده‌اند. درواقع، اضطرار که به‌عنوان شکاف در نظم عمل می‌کند، خود به سازوکاری برای بازتولید قاعده بدل می‌شود؛ زیرا جمع فقط زمانی اجازه فروش می‌دهد که محدود به مرزهای اجتماعی باشد. در چنین موقعیتی، قواعد اخلاقی با ملاحظات معیشتی در تعارض قرار می‌گیرند و فقط زمانی فروش مجاز است که از مسیر فروش توافقی میان خویشاوندان و هم‌محلی‌ها صورت پذیرد.

علی‌رغم سویه‌های وفاق‌آمیز منبعث از همیاری، قاعده منع فروش به تدریج به صورت یک «اجبار نمادین» به همه کنشگران تحمیل می‌شود؛ تا جایی که حتی کسانی که مایل به فروش‌اند، ناگزیرند آن را در قالب‌های مشروع توضیح دهند. این قاعده به‌ظاهر حافظ عدالت جمعی است، اما در عمل از سوی گروه‌هایی خاص و متحدالمنافع (سوداگران محلی و دهقانان مرفه) تقویت و هدایت می‌شود. اینان با برخورداری از سرمایه اقتصادی و نمادین، هم در مقام پاسداران اخلاق جمعی ظاهر می‌شوند و هم از طریق خرید زمین در شرایط اضطرار، نفوذ و قدرت خود را گسترش می‌دهند. به بیان دیگر، قاعده‌ای که قرار بود همبستگی اجتماعی را پاس بدارد، در سطحی دیگر به ابزاری برای بازتولید نابرابری و تثبیت سلطه نمادین تبدیل شده است. بدین ترتیب، قاعده منع فروش زمین در روستای سولار برآمده‌ای مدرن و پویا است که درهم‌تنیدگی وجدان جمعی (دورکیم) و اقتصاد در بستر اجتماعی (پولانی) را در عین تبدیل شدن آن به ابزاری برای سلطه نمادین (بورديو) بازتاب می‌دهد. این قاعده هم‌زمان حافظ هویت جمعی روستا و عرصه بروز تنش میان معیشت، اخلاق و قدرت است.

به‌عنوان پیشنهادهایی برای بسط‌دادن ایده بررسی شده در روستای سولار در آینده می‌توان به بررسی موارد مشابه در دیگر مناطق کشور برای شناخت درمورد قواعد عرفی و مقاومت در برابر منطق بازار اقدام کرد. همچنین نقش واسطه‌های محلی (کارشناس محلی، مدیران روستا یا مالکان بزرگ) در مشروعیت‌بخشی یا تضعیف قواعد عرفی می‌تواند تحلیل شود. درنهایت، تحلیل تاریخی دقیق‌تر از نسبت اصلاحات ارضی و قواعد عرفی-اخلاقی در زیست امروز جوامع روستایی می‌تواند قواعد متفاوت در زمینه پایبندی به همبستگی محلی یا عبور از آن را برای هر روستا به‌گونه‌ای خاص نمایان سازد.

مأخذ مقاله: مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «همیاری اخلاقی و نسبت آن با امر اجتماعی در بین روستاییان سولار» می‌باشد. گروه آموزشی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
- استراوس، آنسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۳). *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ سوم، تهران: نی.
- استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ایار، علی و عنبری، موسی (۱۴۰۲). از گردو تا اوکالیپتوس: روایتی مردم‌نگارانه از فرسایش اجتماعات محلی در ایران، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۳۰(۱۰۰)، ۷۳-۲۹. <https://doi.org/10.22054/qjss.2024.78382.2763>
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۰). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، چاپ اول، تهران: نقش‌ونگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۵). *ساختارهای اجتماعی/اقتصاد*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- پولانی، کارل (۱۳۹۱). *دگرگونی بزرگ*، ترجمه محمد مالجو، تهران: پردیس دانش.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۱). *درس‌های جامعه‌شناسی: فیزیک اخلاقیات و حقوق*، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی، تهران: نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۴). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۸). *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ هفتم، تهران: مرکز.
- شریعتی، سارا (۱۴۰۰). *فراخوان به جامعه در همبستگی اجتماعی و دشمنان آن*، تهران: نی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۵). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ هشتم، تهران: نی.
- طاووسی، تقی (۱۳۸۴). *نظام‌های مدیریت سنتی آبیاری در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران (مطالعه موردی: کشتزارهای ینگ‌آباد)*، مجله جغرافیا و توسعه، ۳(۶)، ۹۳-۱۱۲.
- طرح هادی بازنگری روستای سولار (۱۳۹۱). دفتر فنی و تهیه طرح‌ها: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اصفهان، حوزه معاونت عمران روستایی.
- عزیزی کلوسفروشی، شیرین؛ عزیزپور، فرهاد و طهماسبی، اصغر . (۱۳۹۹). تحلیل ادراک جامعه محلی از روستای خوب (مورد مطالعه: روستای ورس)، *توسعه محلی (روستائی-شهری)*، ۱۲(۲)، ۵۸۷-۶۱۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.322702.668647>
- عنبری، موسی (۱۳۹۵). *بختک توسعه و خواب ناآرام آبادی ما، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۱)، ۱۸۷-۱۷۱. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58382>
- عنبری، موسی و احمدی، محمدعزیز (۱۳۹۵). *مشارکت به مثابه حفظ حیثیت در مقابل دیگری (مطالعه فرایند و ساختار مشارکت در تجربه آبرسانی دهستان زلان)*، *توسعه اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۸۳-۱۱۰. <https://doi.org/10.22055/qjss.2016.12200>
- عنبری، موسی و پیری، صدیقه (۱۳۹۵). *توسعه به مثابه بی‌نواهی اخلاقی، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۵(۱)، ۸۷-۱۱۴.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۴). *فرهنگ یاریگری در ایران*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کرسول، جان (۱۳۹۱). *پویای کیفی و طرح پژوهش*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.
- کوزر، لیونیس (۱۳۷۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- یلی، معصومه (۱۴۰۰). *بررسی جایگاه هویت روستایی در طرح‌های هادی روستاهای شهرستان تنکابن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه طراحی شهری.

References

- Azizi, S; Azizpour, F. and Tahmasbi, A. (2021). The analysis of local community perception on good village case study: Vers village. *Community Development (Rural-Urban)*, 12(2), 587-618. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.322702.668647> (In Persian)

- Anbari, M. & Piri, S. (2016). Tose be masabeh-e binavaei-e akhlaghi. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 5(1), 87-114. (In Persian)
- Anbari, M. (2016). Nightmare of "Development" and Rural Disquiet. *Social Studies and Research in Iran*, 5(1), 171-187. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58382> (In Persian)
- Anbari, M. and Ahmadi, M. A. (2016). Participation as keeping face against "The Other" (The study of the process and structure of participation in the experience of piped water supplying in Zilan village). *Social Development (Previously Human Development)*, 10(3), 83-110. <https://doi.org/10.22055/qjss.2016.12200> (In Persian)
- Aron, R. (1997). *Main currents in sociological thought*. Translated by Baqer Parham. Tehran: Elmi-o-Farhangi. (In Persian)
- Ayar, A., Anbari, M. (2023). From walnut to eucalyptus: An ethnographic approach to the erosion of local communities in Iran, *Social sciences*, 30(100), 29-73. <https://doi.org/10.22054/qjss.2024.78382.2763> (In Persian)
- Bourdieu, P. (2001). *Raisons pratiques: sur la theorie de l'action*. Translated by Morteza Mardiha. Tehran: Naqsh-o-negar. (In Persian)
- Bourdieu, P. (2016). *The social structures of the economy*. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Social Security Organization Research Institute. (In Persian)
- Coser, L. A. (1994). *Masters of sociological thought*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Creswell, J. W. (2012). *Qualitative inquiry and research design*. Translated by Hassan danaei-fard and Hossein Kazemi. Tehran: Saffar. (In Persian)
- Durkheim, E. (2012). *Lecons de sociologie: Physique des moeurs et du droit*. Translated by Seyed Jamal-e Mousavi. Tehran: Ney. (In Persian)
- Durkheim, E. (2015). *The division of labor in society*. Translated by Baqer Parham. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Durkheim, E. (2019). *Les formes elementaires de la vie religieuse*. Translated by Baqer Parham. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Escobar, A. (1992). Imagining a post-development era? Critical thought, development and social movements. *Social text*, (31/32), 20-56.
- Farhadi, M. (2015). *The tradition of co-operation in Iran*. Tehran: Markaz-e nashr-e daneshgahi. (In Persian)
- Giddens, A. (2005). *The consequences of modernity*. Translated by Mohsen Solasi. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*. Trans. and ed. L.A. Coser. Chicago: University of Chicago Press
- Jaisson, M. (2008). Mémoire collective et espace social. M. Halbwachs, *La Topographie légendaire des évangiles en Terre sainte*, 73-98.
- Li, Y., Fang, Z., Li, J., & Zhang, L. (2023). Local Identity Based on Villagers' Vision of Life and Village Dynamics—Evidence from 40 Villages in Yunnan Province, China. *Sustainability*, 15(22), 15755.
- Lu, X., Tan, D., Zhou, Y., Xie, Y., & Chen, Z. (2024). Traditional village perception and protection behavior: The mediating role of local identity and the impact of different population differences. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 1-18.
- Petrescu-Mag, R. M., Rastegari Kopaei, H., & Petrescu, D. C. (2021). What drives landowners to resist selling their land? insights from ethical capitalism and landowners' Perceptions. *Land*, 10(3), 312.
- Polanyi, K. (2018). The economy as instituted process. In *The sociology of economic life* (pp. 3-21). Routledge.
- Polanyi, K. (2012). *The Great Transformation*. Translated by Mohammad Maljoo. Tehran: Pardis-e danesh. (In Persian)
- Rahnema, M. (1997). Towards post-development: searching for signposts, a new language and new paradigms. *Development: Identities, Representation, Alternatives*, 304-331.
- Scott, J. C. (1977). *The moral economy of the peasant: Rebellion and subsistence in Southeast Asia*. Yale University Press.
- Scott, J. C. (1985). *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale university press.
- Seidman, S. (2016). *Contested knowledge: Social theory today*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney. (In Persian)
- Shariati, S. (2021). *Call to The community in social solidarity and its enemies*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Smith, G. (2023). *Livelihood and resistance: Peasants and the politics of land in Peru*. Univ of California Press.
- Stones, R. (1998). *Key Sociological Thinkers*. Translated by Mehrdad Mirdamadi. Tehran: Markaz. (In Persian)

- Strauss, A. L. (2014). *Basics of qualitative research*. Translated by Ebrahim Afshar. Tehran: Ney. (In Persian)
- Tarh-e hadi-e baznegari-e roosta-ye sular* (2012). Daftar-e fanni va tahiy-ye tarh-ha: Boniyad-e maskan-e enghelab-e eslami-e Iran, Hozeh-e moavenat-e tose-e roostaei. (In Persian)
- Tavousi, T. (2006). Traditional managements of irrigation systems in arid and semi; Arid area of Iran case study: Farms of Yang-Abad. *Geography and development*, 3(6): 93-112. (In Persian)
- Williams, R. (1975). *The Country and The City*. Oxford University Press, USA.
- Yali, M. (2021). Study on the position of rural identity in the rural guide plans of Tonekabon villages. Fulfillment of the requirements for the degree of M.A. *Tarbiat Moddars university, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban design*. (In Persian)